

تحفة الفاطمین فی احوال قم و القمیین

حسین بن محمد حسن قمی
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش پنجم

گنبد مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

در کتاب جنة النعیم مذکور است که گنبد مطهر حضرت معصومه - سلام الله علیها - در سنه^۱ ۵۲۹ هجری به امر شاد بیگم، دختر عماد بیگ انجام یافت و آن گنبد از آجر بوده است.^۲
سنه ۹۲۵ هجری شاه اسماعیل صفوی - علیه الرحمة - روی گنبد را کاشی معرق نموده است.^۳

۱. مصرع «کاین در و درگه مطاف عزت و اقبال آمد» به حروف ابجد مساوی با عدد ۱۳۱۲ است که سال ساخت و نصب این در را نشان می‌دهد.
۲. مطلبی که از کتاب جنة النعیم نقل شده، دارای چند اشتباه به این شرح است:
(الف) به نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی که در تاریخ ۲۷۸ قمری کتاب خویش را نوشته، نخستین کسی که بر تربت حضرت فاطمه معصومه (س) گنبد و قبه‌ای ساخته، زینب دختر محمد بن علی الرضا - علیهم السلام - است (تاریخ قم، ص ۲۱۳) که تا اواسط سده پنجم قمری پابرجا بوده است. هم چنین به نوشته ابوالرشید نصیرالدین عبدالجلیل رازی قزوینی که در تاریخ ۵۵۶ قمری آن را نوشته، میرابوالفضل عراقی وزیر سلطان طغرل سلجوقی، در ۴۵۷ قمری، مشهد و قبه منوره فاطمه بنت موسی بن جعفر - علیها السلام - را بنا نهاد (النقض، ص ۲۲۰). وی بنایی به قطر داخلی حدود ۱۱ و ارتفاع ۱۴ متر بنا نهاد که سه بنای کوچک تر قبلی را دربرگرفت و این بنا تا اوایل سده دهم هجری پابرجا بوده است و چنانچه در فاصله بنایی بقعه و قبه اول و دوم و هم چنین پس از گنبد دوم تا سده دهم، گنبدی دیگر بنا شده بود، می‌بایست در «تاریخ قم» و یا در کتاب «النقض» ذکر شده باشد، به‌ویژه که رازی کتاب خود را یکصد و هشت سال پس از اقدام میرابوالفضل عراقی نوشته است و اگر در تاریخ ۵۲۹ قمری، کسی به نام شاد بیگم دختر عماد بیگ، قبه‌ای و یا حتی تعمیری در این گنبد انجام داده بود، می‌بایست در این کتاب و یا منابع دیگر آمده باشد؛ چه این‌که در هنگام تألیف «النقض» هنوز کتیبه‌های حاکی از نام بانی و تاریخ بنا باقی بوده است، زیرا تاریخ تألیف کتاب ۵۵۶ قمری است که با تاریخ ۵۲۹ قمری تنها ۲۷ سال بیش تر فاصله ندارد. در حالی که بنای گنبد به دست عراقی در سال ۴۴۷ یا ۴۵۷ قمری بوده،

چگونه آثار عراقی که ۹۹ سال و یا بیش تر از آن فاصله داشته تا تألیف کتاب موجود بوده است، اما آثار ۲۷ ساله موجود نباشد. گویا این اشتباه نخستین بار در اثر محمد باقر کجوری مازندرانی صاحب کتاب «جنة النعیم» یا «روح و ریحان» روی داده است و بعد مورد استناد نویسندگان «کتاب یا نشریه راهنمای قم» در سال ۱۳۱۷ شمسی، قرار گرفته است و کجوری هیچ سندی را برای گفته خویش که در سال ۵۲۹ قمری گنبدی بنا شده، ارائه نکرده است. منشأ بروز اشتباه همان تاریخ ۵۲۹ است که در کتیبه حرم به طور معکوس روی کاشی نوشته شده بوده است، در صورتی که همان تاریخ در کتیبه دیوان به زبان عربی (خمس و عشرين و تسعمائة) قید شده و با تطبیق کتیبه عددی بر این تاریخ زنده و گویا مشخص می‌شود که منظور از ۵۲۹ عکس آن ۹۲۵ می‌باشد. به گفته مؤلف «روح و ریحان» به عکس نوشتن تواریخ و ریاضی در کتیبه‌های مشاهد، رسمی رایج بوده است؛ چنان‌که فیض موارد متعددی را در کتاب خویش ارائه داده است (نک: جنة النعیم، ص ۴۵۹؛ راهنمای قم، ص ۳۳؛ گنجینه آثار قم، ۱/ ۴۳۱-۴۳۵).

ب) اشتباه دیگر، نام بانی گنبد در این تاریخ است که او را: «شاد بیگم دختر عماد بیگ» دانسته است در حالی که نام وی «شاه بیگم» است نه «شاد بیگم». ج) دیگر این‌که وی دختر عماد بیگ نبوده، بلکه دختر شاه اسماعیل صفوی است. منشأ این اشتباه نیز - چنان‌که فیض اشاره کرده - شاید این است که مؤلف «جنة النعیم» یا «روح و ریحان» پیش از آن که کتیبه‌های حرم مطهر یا کیکاوس میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار که حکمران قم بوده، در سال ۱۲۵۱ قمری محو و حک و یا در زیر آینه پنهان کرده باشد، شخصاً نام شاه بیگم را در گوشه و کنار روضه مطهر دیده و در نزدیکی نام وی اسم مباشر ساختمان (عماد بیگ) را نیز خوانده، منتها چون جمله «بسمعی» یا «به مباشرت» را در جلو نام عماد بیگ، به خوبی ندیده و یا خوانده نشده است، تصور کرده که عماد بیگ پدر شاه بیگم بوده و به این ترتیب در تاریخ، نام و نسبت گرفتار اشتباه شده است.

در این‌که شاه بیگم نامی بانی گنبد بوده است تردید نیست، اما وی دختر شاه اسماعیل صفوی است و در تاریخ ۹۲۵ قمری بنای اولیه را که مربوط به میرابوالفضل عراقی بوده ویران و بنا و گنبدی جدید ساخت و عماد بیگ منشی دیوان و مربی شاهدگان و مباشر این ساختمان و بنا بوده است و در واقع عماد بیگ پدر روحانی شاه بیگم است نه پدر جسمانی او (نک: گنجینه آثار قم، ۱/ ۲۳۴-۲۴۳).
۳. چنان‌که پیش از این اشاره شد، بانی گنبد کنونی شاهزاده شاه بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی است که در تاریخ ۹۲۵ قمری، آن را پی افکنده است و این‌که مؤلف، ساختمان گنبد را در این تاریخ به شاه اسماعیل صفوی نسبت داده، گویا به دلیل متن کتیبه‌ای است که با این عبارات آمده است: «قد اتفق بناء هذه العمارة... فی زمن خلافة السلطان... ابوالمظفر شاه اسماعیل». هر کس که با زبان عربی مختصر آشنایی داشته باشد درمی‌یابد که از این عبارات شرکت نداشتن شاه اسماعیل صفوی در امر ساختمان به خوبی مشهود است؛ زیرا اگر این بنا به دست او انجام یافته بود - چنان‌که در مشاهد دیگر رایج است - می‌بایست در کتیبه، به جای «قد اتفق» عبارت: «قد تشرف ببناء هذه الروضة» یا «قد امر ببناء هذه» قید می‌شد، اما این مطلب که بانی شاه بیگم دختر شاه اسماعیل است، به استناد نوشته محمد باقر کجوری مازندرانی در کتاب «جنة النعیم» است و می‌توان گفت که کجوری نام وی را در کتیبه‌های حرم پیش از حک و محو دوره قاجاریه دیده و بعید است که وی چنین مطلبی را ندیده باشد و از خود جعل کرده باشد (نک: گنجینه آثار قم، ۱/ ۴۴۰-۴۴۲).



فتحعلی شاه قاجار در سنه ۱۲۱۸ هجری آن را به خشت‌های زرین مزین فرمودند و استاد محمود نامی که جد استاد حسن معمار قمی بوده است معمار گنبد بوده و ذکر حالات استاد حسن در ذیل حالات شعرا مذکور خواهد و حقیر شنیدم از جناب آقا میرزا اسدالله، ولد حاج میرزا صفی خادم سرکار فیض آثار که گفت: از یکی از پسرهای استاد محمود شنیدم که پدرم می‌گفت دوازده هزار خشت زرین در گنبد مطهره به کار رفته.^۱

فتحعلی خان صبای ملک الشعرا، این قطعه را عرض کرده است و آقا مهدی طهرانی ملک الکتاب در کتیبه گنبد مطهره این قطعه را نوشته است و آن این است:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی

یا که زرین بارگاه بضعة موساستی
بضعة موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر

خاک درگاهش عبیر طره حوراستی
نوگلی روشن ز طرف گلشن یاسین بود

آیتی روشن ز صدرنامه طاهاستی
پرتوی از آفتاب اصطفاى مصطفی

زهرای از آسمان عصمت زهراستی
صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان

کز شرف مسجد سقف مسجد اقصاستی
پستی از صحن حریمش را بپا طاق حرم

کاین مکان عزت و آن مسکن غبراستی
چون تذهیب گنبد مطهره را در سنه ۱۲۱۸ [هجری] فتحعلی شاه

نمودند، میرزا محمد صادق نامی «ناطق» تخلص اصفهانی،^۲ قصیده‌ای عرض کرد در مدح و ستایش حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - و فتحعلی شاه قاجار و توصیف گنبد مطهره که هر مصرعی از این قصیده تاریخ اتمام این گنبد مطهر است. الحق هیچ شاعری را چنین قوتی و قدرتی نبوده و تا به حال چنین کاری شنیده نشده است که الحق ساحری کرده نه شاعری!

این قصیده مسمی به قصیده معجزیه است؛ بسم الله الرحمن الرحیم باسم موجود کریم؛ یکصد و بیست و چهار مصرع؛ شصت و دو بیت.^۳

بسم الله الرحمن الرحیم

قصیده ماده تاریخ^۴

۱. فتحعلی شاه قاجار، گنبدی را که به وسیله شاه بیگم صفوی ساخته شده بود در ۱۲۱۸ قمری، با خشت‌های زرانود که تعداد آن‌ها را دوازده هزار نوشته‌اند، آراست که همگی این خشت‌های زرین دارای شماره و ردیف است. تا گاه خرابی جابه‌جا نکردند. ارتفاع این گنبد از سطح بام ۱۶ و از سطح زمین ۳۲ متر است و محیطش از خارج ۳۵/۶ و از داخل ۲۸/۶۶ و قطرش ۱۲ و بلندی عنق استوانه‌ای آن شش متر است (نک: گنجینه آثار قم، ۴۸۳/۱-۴۸۴).

۲. میرزا محمد صادق متخلص به «ناطق» اصفهانی (متوفی ۱۲۳۵ ق / ۱۸۲۰ م) ادیب و شاعر توانایی که قدرت عجیبی در بیان و سرودن ماده تاریخ‌ها و عددیابی داشت. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست و از زندگانی او نیز اطلاعات کمی در دست است، پدرش از ترک‌ها و مادرش اهل مدینه بود و خودش همواره در دستگاه محمد علی میرزای دولتشاه، اشتغال داشت و در ۱۲۲۷ قمری مقدمه‌ای بر دیوان او نوشت. معلم حبیب آبادی کتابی به نام «بحر الفاظ» به وی نسبت داده که نسخه‌ای از آن را در ۱۳۷۰ قمری در منزل میرزا حبیب الله نیر، دیده است که در آن ناطق از عدد یک تا ۱۶۸۳، به ترتیب برای هر عددی چندین ماده تاریخ یافته و نوشته بود و در دیباچه کتابش ادعا کرده است که کسی در این فن بر وی سبقت نگرفته جز لطف الله بن عبدالکریم کاشانی که بعضی از این اعداد را یافته و من آنچه را او یافته در این جا آورده‌ام. وی این کتاب راه «بحر الفاظ» نامیده که با عدد ۱۲۳۲ که سال تألیف آن است برابر است و سال ختم آن را «نسخه العجائب» که با عدد ۱۲۲۷ برابر است قرار داده. توانایی ناطق در این فن، از همین قصیده که در تاریخ و اتمام تذهیب گنبد حضرت معصومه (س) سروده، به خوبی پیداست. تاریخ درگذشت وی را ۱۲۲۵، ۱۲۳۰ نیز نوشته‌اند: مکارم الآثار، ۱۰۱۳/۳-۱۰۱۴؛ مجمع الفصحاء، ۵۲۶/۲-۵۲۷؛ تذکره دلگشای بسم شیرازی، ص ۵۲۹-۵۳۱؛ مصطفی خراب، ص ۱۹۶؛ خرابیات، ۱۸۲/۲؛ طرائق الحقایق، ۱۱۳/۳؛ تذکره اختر، ۲۱۳/۱-۲۱۴؛ تذکره القبور، یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۰۳؛ ریحانة الادب، ۱۱۱/۶-۱۲۱؛ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار سابق (شهید مطهری) ۶۷۴/۲-۶۷۵؛ فرهنگ سخنوران، ۹۱۳/۲؛ الذریعه، ۳۲۲/۹، ۱۱۵۸، ۹۰۵، ۱۱۵۹-۱۳۶/۱۲ و ۶۶/۲۲.

۳. جالب است بدانیم که این چهار جمله، هر یک به حروف ابجد مساوی است با عدد ۱۲۱۸ که سال تعمیر و تذهیب گنبد را نشان می‌دهند.

۴. فیض درباره این قصیده چنین نوشته است: «این شاهکار ادبی قصیده‌ای است که شاعر توانا و دانا شادروان محمد صادق پروانه کاشی متخلص به «ناطق» در تاریخ تذهیب گنبد، متضمن ستایش فاطمه معصومه (س) و مدح و ثنای فتحعلی شاه قاجار سروده است که هر مصرع آن، ماده تاریخ آن با سال ۱۲۱۸ برابر است... قسمتی از ابیات این قصیده در کتاب «راهنمای قم» درج و بعداً در کتیبه جدید صحن کهنه نقل گردیده است. متأسفانه به علت تغییراتی که در بعضی از حروف یا کلمات یا جملات مضارع، گاه نقل یا استنساخ ندانسته به عمل آورده، بدون التفات حرفی افزوده یا زدوده‌اند و به‌طور غالب از تطابق با تاریخ منظور خارج گردیده است، تا جایی که بعضی از ظاهر بینان خرد گیر، به جای تصحیح ابیات و رفع اشتباه، خدمت ارزنده این استاد سراینده را انکار کرده، ماده تاریخ‌ها را غیر مطابق خوانده‌اند. در نتیجه نگارنده خود را موظف دید که به نقاط ضعفی که گاه استنساخ در ضبط ابیات راه یافته است، اشاره کرده، با درج ابیات صحیحه این خدمت ابی اعجاب‌انگیز و اعجاز‌آمیز وی را تجلی بخشد» (نک: گنجینه آثار قم، ۴۸۵/۱). نقاط ضعف و تصحیح فیض را هر یک در جای مناسب آن خواهیم آورد.

این قبه گلبنی است بزیور برآمده
یا پاک گوهریست پراز زیور آمده
این دوحه‌ای^۱ است کامده از جنت العلی
یا کوکبی^۲ است سعد و منور برآمده
این زیب عرش یا که بود کوی آفتاب
یا نور حق که در همه اشیا بر آمده
این قبه را چه اوج که با ارتفاع آن
صدر فلک بچشم ملک احقر آمده
وین^۳ قبه راست جای بجایی که پایه‌اش
از اوج مهر و ماه و زحل برتر آمده
کین قبه رفیع به جایی کشانده سر^۴
کز قدر با سپهر برین همسر آمده
وین قبه و زمین ز همین رفعت و جلال^۵
عرش بدهر با فلکی دیگر آمده
وین صحن به ز صحن جنانست بهر آنک^۶
آبش به از بقا و به از کوثر آمده
از دل سؤال کردم و گفتم مرا بگو
کین صحن از چه روز جنان بهتر آمده^۷
دل در جواب گفت که اینک در این سؤال
عقل طویل قاصر و فهم اقصر آمده^۸
بهتر بود بحسن و علو از جنان در آن
مسکن که بنت موسی بن جعفر آمده
زهرا عفاف فاطمه بنت موسی آنک^۹
بروی شرف ز فاطمه و حیدر آمده
معصومه که در ره ایوان اقدسش
از قدر و صدق حور و پری چاکر آمده
شهباده که هر دو سرا جلدش از^{۱۰} عطا
با طالبان مذهب حق یاور آمده
مخدومه مکرمه آن نجم برج^{۱۱} دین
کز مهر و ماه رأی^{۱۲} نکوش انور آمده
از اوج علم و فضل و ادب کوکب جمیل
در اوج حلم و مجد و شرف و گوهر آمده^{۱۳}
جد آمده رسول حق و جدش بتول
با یمن عصمت از پدر و مادر آمده
یک جد او نبی شرف کل کاینات
کز جود حق ز جمله رسل مهتر آمده

۱. مؤلف این مصرع را «این دوحه‌ایست کامده از جنت العلی» ثبت کرده که به حروف ابجد مساوی با عدد ۱۲۱۷ است، در حالی که صحیح آن، «این دوحه‌ای است کامده از جنت العلی» می‌باشد که با اضافه کردن «الف» بین کلمه «ای» و «ست» این مصرع مساوی با عدد ۱۲۱۸ می‌شود و فیض چه اشتباه بزرگی مرتکب شده که این مصرع را «این روضه‌ایست کامده از جنت العلی» نوشته که مساوی با عدد ۳۱۸۱ می‌شود و بسیار از موضوع ماده تاریخ پرت می‌شود؛ زیرا کلمه «روضه» خود به تنهایی ۱۰۰۶ است.
۲. مؤلف این مصرع را «یا کوکبیست سعد و منور بر آمده» ثبت کرده که لازم است به این شکل نوشته شود: «یا کوکبی است سعد و منور برآمده» تا عدد ۱۲۱۸ به دست آید.
۳. مؤلف به جای «وین» کلمه «این» و در کلمه «بجایی» کلمه «بجانی» آورده که اگر آن‌ها را «وین» و «بجایی» بخوانیم مساوی با عدد ۱۲۱۸ خواهد شد و حتی فیض نیز اشتباه کرده، اگر کلمه «بجانی» بخوانیم با همزه، اما اگر «بجایی» بادو «ی» خوانده شود صحیح است.
۴. مؤلف این مصرع را چنین ثبت کرده: «این قبه رفیع بجانی رسانده قدر» که مساوی با عدد ۱۱۷۸ یا ۱۱۶۹ می‌شود، در صورتی که کلمه «بجانی» یا «بجایی» خوانده شود و فیض آن را «کین قبه رفیع بجانی کشانده سر» نوشته که مساوی است با عدد ۱۲۱۳ اما اگر کلمه «بجایی» را «به جایی» بنویسیم و بخوانیم، عدد ۱۲۱۸ به دست می‌آید.
۵. این مصرع را نیز مؤلف به این صورت نوشته: «این قبه و زمین ز همین رفعت و جلال» ثبت کرده که مساوی است با عدد ۱۲۱۳ که اگر کلمه «این» را به «وین» تبدیل کنیم، عدد ۱۲۱۸ به دست می‌آید.
۶. مؤلف این مصرع را با «این» شروع کرده که مساوی با عدد ۱۲۱۳ است و باید با کلمه «وین» شروع شود تا عدد ۱۲۱۸ به دست آید؛ چنانکه در «گنجینه آثار قم» و «ریحانة الادب» چنین است.
۷. مؤلف در آغاز این مصرع «کاین» آورده که الف زاید است و باید «کین» نوشته شود و هم چنین در آخر مصرع کلمه «برتر» آورده که با این ترتیب عدد ۱۴۱۴ به دست می‌آید و غلط است و باید کلمه «بهتر» باشد تا عدد ۱۲۱۸ به دست آید.
۸. این مصرع را مؤلف «عقل طویل قاصر و هم اقصر آمده» آورده که مساوی است با عدد ۱۱۳۸ و باید «عقل طویل قاصر و فهم اقصر آمده» نوشته شود تا عدد ۱۲۱۸ به دست آید.
۹. مؤلف بین کلمه «فاطمه» و «بنت» یک (واو) اضافه کرده است که زاید است.
۱۰. کلمه «این» که مؤلف در این مصرع آورده باید تبدیل به کلمه «از» شود.
۱۱. این مصرع را مؤلف «مخدومه مکرمه آن نجم برج دین» ثبت کرده که مساوی با عدد ۱۴۱۳ می‌شود و باید به جای «برج» کلمه «اوج» گذاشت تا عدد ۱۲۱۸ به دست آید.
۱۲. مرحوم مدرس کلمه «رأی» را «رأس» ثبت کرده که غلط است و همان «رأی» صحیح است.
۱۳. مؤلف این مصرع را «در دین علم و مجد و شرف گوهر آمده» ثبت کرده که مساوی با عدد ۱۳۲۸ است و صحیح آن «در اوج حلم و مجد و شرف و گوهر آمده» می‌باشد که مساوی با عدد ۱۲۱۸ است. هم چنین «وز درج حلم و مجد و شرف گوهر آمده» ثبت مدرس مساوی با ۱۲۵۲ و «وز درج علم و مجد و شرف گوهر آمده» ثبت فیض مساوی با عدد ۱۲۸۰ است که هر دو غلط هستند.

آن خسرو زمین که باوج قدوم او
اورنگ ملک را بفلک سر برآمده
کشور گشای عالم و زین ملوک آن
کز او کمال و قدر بهر کشور آمده

۱. مؤلف این مصرع را «یک جد او حسین علی کز در سخا» ثبت کرده که مساوی است با ۱۱۷۴ و فیض آن را «یک جد آن حسین علی کز در سخا» و مدرس «یک جد او حسین علی آنک در سخا» و «جد دگر حسین علی دان که از سخا» ثبت کرده‌اند و هر سه وجه با عدد ۱۲۱۸ مساوی است.
۲. مؤلف این مصرع را «جد دیگر علی حسین است کز کرام» ثبت کرده که مساوی است با ۱۲۲۸ و فیض آن را «جد دگر علی حسین است کز کرم» نوشته که مساوی است با ۱۲۱۷ و مدرس «جد دگر علی حسین است کز کرم» ثبت کرده که مساوی با ۱۲۱۸ است.
۳. فیض این مصرع را «عکسی زفوز اوست بدنی برآمده» ثبت کرده که مساوی با ۱۰۵۵ و غلط است.
۴. مؤلف این مصرع را «موسی کاظم آمده باب وی و در آن» ثبت کرده که مساوی با ۱۴۰۷ است.
۵. مؤلف این مصرع را «احسان و علم وجود و سخا بیمر آمده» ثبت کرده که مساوی با ۱۲۵۴ است؛ چنان که فیض نیز چنین کرده است.
۶. مؤلف این مصرع را «نه په زجده‌اش بجهان فطرت نکو» ثبت کرده که مساوی با عدد ۱۲۰۸ است و چنانچه کلمه «فطرت» را به اضافه «ی»، فطرتی بنویسیم، با ۱۲۱۸ مساوی خواهد شد.
۷. مؤلف در این مصرع یک (ه) به کلمه «کرد» افزوده که به این ترتیب با ۱۲۲۳ مساوی شده و با حذف آن، عدد ۱۲۱۸ به دست می‌آید و فیض آن را «بر مسلمین زجود و همم کرد رهبری» نوشته که مساوی با ۱۱۸۴ است.
۸. مؤلف این مصرع را «برزایران زجود و کرم رهبر آمده» ثبت کرده که مساوی است با ۱۲۱۴ و فیض آن را «برزایرین زجود و کرم رهبر آمده» نوشته که مساوی است با ۱۲۲۳.
۹. مؤلف این بیت را نیاورده و ما از مدرس و فیض آن را تکمیل کردیم.
۱۰. مؤلف این مصرع را «روی امید جمله عالم بدین در است» نوشته که مساوی با ۱۲۲۱ است و چنانچه کلمه «بدین» را تبدیل به «باین» کنیم، با ۱۲۱۸ مساوی می‌شود.
۱۱. مؤلف کلمه «بود» را بدون «ه» نوشته که اگر آن را «بوده» بنویسیم با ۱۲۱۸ مساوی می‌شود.
۱۲. مؤلف این مصرع را «در عرش بر زمین پی یکدیگر آمده» ثبت کرده که با ۱۴۰۹ مساوی است، و صحیح آن «وز عرش بر زمین پی یکدیگر آمده» می‌باشد که با ۱۲۱۸ مساوی است و یا چنان فیض نوشته «عرشه بر زمین پی یکدیگر آمده» که آن نیز با ۱۲۱۸ مساوی است.
۱۳. این مصرع را مؤلف «کردل بدل خطاب که این قبه چنین» ثبت کرده که با ۱۲۰۸ مساوی و غلط است و کلمه «کردل» در آغاز مصرع باید به کلمه «کردم» تبدیل شود. فیض این مصرع را «ازدل بدل خطاب کین قبه چنین» ثبت کرده که با ۹۹۰ مساوی و آن نیز غلط است.
۱۴. فیض این مصرع را «شهباز و کبک همسر و هم شهپر آمده» نوشته که با ۱۲۷۶ مساوی و طبقاً غلط است.

- یک جد او علیست که از عون کردگار
در روز جنگ صفدر و نام آور آمده
یک جد آن حسین علی کز در سخا^۱
مولای عاصیان و شه محشر آمده
جدگر علی حسین است کاز کرم^۲
داور و رحیم و رهی پرور آمده
باشد علی برادر وی آنکه نور ماه
عکسی ز نور اوست بدنی برآمده^۳
موسی کاظم آمده باب وی و وز آن^۴
احسان و عدل وجود و سخا بیمر آمده^۵
نه په زجده‌اش بجهان فطرت نکو^۶
نه مثل جد عالی آن صفدر آمده
بر مسلمین زجود و همم کرده رهبری^۷
بر زایرین بجد و کرم رهبر آمده^۸
[روی جهان زدرگه او یافت آبرو
پشت فلک بسجده او چنبر آمده]^۹
روی امید جمله عالم بدین در است^{۱۰}
حاجت هر آنچه بوده از این در برآمده^{۱۱}
فوج ملک زشوق دمامد گشوده پر
وز عرش بر زمین پی یکدیگر آمده^{۱۲}
یک جا زبهر چاکری زایران اوست
یک جا زبهر خادمی این در آمده
کردم بدل خطاب که این قبه چنین^{۱۳}
قدر از که یافت از که بزیب وفر آمده
گفتا بعون ایزد و سلطان عصر آن
کود از لطف فتح علی یاور آمده
سلطان عهد فتحعلی شاه آن کز او
بستان ملک و لگن جان را برآمده
آن پادشاه کز اثر عدل و داد او
شهباز و کبک هم پرو هم شهپر آمده^{۱۴}

دوران مجال و مجلس وی را چه دید گفت^۹

مهری زواج جود سوی خاور آمده^{۱۰}

نه به زوی بزیر فلک بوده است شاه

نه مثل او بروی زمین داور آمده

این قبه زیب زین شه والاتبار دید^{۱۱}

کز برو قدر داور بحرو بر آمده^{۱۲}

گفتم ز جود شاه بعالم قصیده

کز آن دهان فکر پر از شکر آمده^{۱۳}

فرمان دهی که نزد کمین بنده سر اش

هر شاه بوده بنده و فرمان بر آمده^۱

عبد و مطیع و بنده و فرمان برش زجان

کسری و رای سنجر و اسکندر آمده

خاقان برای بندگی او ز ملک چین^۲

از طرف روم زایر او قیصر آمده

از بهر سود بر در دربار عدل وی

نوشیروان ز وجود روان از سر آمده^۳

وی را هزار بنده بود کز شکوه و شأن

هر بنده صد ملکته و صد سنجر آمده

هم آن بداوران ز سخا آمده کفیل

هم آن بسوران ز عطا سرور آمده

تا امن شاه آمده داد ارملک و دین

تا عدل شاه صاحب بوم و بر آمده

تیهو جلیس و مونس باز جری شده

آهوانس و حارس شیر نر آمده^۴

از عالمش برون صف میدان حرب گاه^۵

از انجمش فزون سپه و لشکر آمده

میح و حسام آن شه دوران بگاه حرب

بیضا بچنگ گاهی و گاه از در آمده^۶

انجم سپاه و ماه رکاب و فلک خیام

مهر از برای شاه همی افسر آمده

شمشیر و بزم و مجلس و میدان و طبل وی

زاوصاف هر یک از دیگری اشهر آمده

از مهر او بزم ولی آمده ضیا^۷

از کین او بحلق عدو خنجر آمده

هر روز بهر چاکر آن داور زمین

خنک فلک بطوع بزین زر آمده^۸

در بحر جود و برج عطا حلم و بیدقش

آن آمده است لنگر و آن محور آمده

۱. این مصرع را مؤلف «هر شاه بوده بنده فرمان بر آمده» بدون «و» بین کلمات «بنده» و «فرمان» ثبت کرده که مساوی است با ۱۲۱۲ و اگر واوی بین این دو کلمه اضافه شود، با ۱۲۱۸ مساوی خواهد شد.

۲. این مصرع را مؤلف «خاقان برای بنده گی او ز ملک چین» نوشته که مساوی است با ۱۲۲۳ و چنانچه میان کلمه «بنده گی» حرف «ه» را حذف و «بندگی» بنویسیم با ۱۲۱۸ مساوی می‌شود.

۳. فیض این مصرع را «نوشیروان ز وجود روان از سر آمده» نوشته که مساوی با ۱۰۲۲ و غلط است؛ زیرا کلمه «روان» را «دوان» نوشته است.

۴. مؤلف این مصرع را «آهو انیس حارث شیر نر آمده» ثبت کرده که با ۱۶۵۲ است و صحیح آن «آهو انیس و حارس شیر نر آمده» است که با ۱۲۱۸ مساوی است.

۵. مدرس این مصرع را «از عالمش فزون صف میدان و معرکه» نوشته که با ۱۲۰۸ مساوی است و صحیح آن همان است که در متن نوشته شد.

۶. مؤلف این مصرع را «بیضا بچنگ گاهی و گاه از در آمده» ثبت کرده که با ۱۲۱۷ مساوی است و اگر کلمه «گه» را «گاه» بالف بنویسیم با ۱۲۱۸ مساوی خواهد شد.

۷. فیض کلمه «ضیا» را «ضیا» نوشته که با ۱۲۱۹ مساوی خواهد شد و غلط است و صحیح همان «ضیا» بدون همزه است.

۸. این مصرع را مؤلف «خنک فلک بطوع بزین زر آمده» نوشته که مساوی ۱۲۱۳ است و اگر کلمه «بزین» جدا و به شکل «به زین» بنویسیم، با ۱۲۱۸ مساوی می‌شود و فیض آن را به این شکل نوشته «خنک فلک بطوع بزین زر آمده» ثبت کرده که آن هم با ۱۲۱۸ مساوی است.

۹. این مصرع را مؤلف «دوران مجال و مجلس او را چه دید و گفت» ثبت کرده که با ۱۲۱۴ مساوی و اشتباه می‌باشد و صحیح همان است که در متن نوشته شده مدرس آن را «دوران جمال و مجلس وی را چو دید گفت» نوشته که مساوی ۱۲۱۸ است.

۱۰. این مصرع را مؤلف «دری زواج جود سوی خاور آمده» نوشته که مساوی ۱۱۷۷ است، هم چنین فیض کلمه «زواج» را «ازواج» ثبت کرده که مساوی ۱۱۷۸ است و صحیح همان است که در متن نوشته شد.

۱۱. مؤلف این مصرع را با افزون «و» بین کلمات «زیب» و «زین» نوشته که مساوی ۱۲۲۴ است و با کم کردن «و» عدد ۱۲۱۸ به دست می‌آید.

۱۲. فیض پس از این بیت، بی‌تی دیگر آورده است که با احتساب آن ۶۳ بیت می‌گردد که خلاف گفته شاعر است

۱۳. مؤلف جای این مصرع را با مصرع بیت بعد جابه جا نوشته که با توجه به ثبت فیض و مدرس اصلاح شد.

و روی جرزهای او کلاً کاشی معرق بسیار ممتاز است. کتیبه در این ایوان بخط ثلث از کاشی معرق است که نامی شاه اسماعیل در وسط آن کتیبه نوشته شده، جمیع مقرنس این ایوان مزین به خشت‌های زرین است که خاقان فتحعلی شاه در سنه ۱۲۵۰ [هجری] که سال آخر سلطنت ایشان است دست به تعمیر این ایوان زده، می‌خواستند به خشت زرین مزین کنند، مبلغ دوازده هزار تومان، به مصرف این کار رسانیده پیش‌تر خشت‌های او که اصل او پس است درست نموده و قدری از آن‌ها را طلا کرده که خاقان به رحمت ایزدی واصل شد [و] این کار ناتمام مانده، تا در سنه ۱۲۶۷ [هجری] ناصرالدین شاه قاجار،

۱. این مصرع را مؤلف «این قبه قدر و رتبت اوج زر آمده» ثبت کرده که مساوی ۱۷۴۷ و بسیار دور از مقصود است. هم چنین فیض آن را «این قبه قدر و زینت اوج زر آمده» نوشته که مساوی ۱۲۱۲ است و چنانچه یک «و» پس از کلمه «زینت» و قبل از کلمه «اوج» اضافه شود، عدد ۱۲۱۸ به دست می‌آید. مدرس این بیت را نیاورده است.
۲. فیض «قصیده‌ای» نوشته که غلط است و «قصیده» صحیح است.
۳. مؤلف کلمه «بمرآت» را «به مرآت» با افزودن «ه» آورده که مساوی ۱۲۲۳ و صحیح آن بدون «ه» است.
۴. فیض کلمه «هر» را به این مصرع اضافه کرده و کلمه «زبان» را «زمان» نوشته که غلط است.
۵. مؤلف این مصرع را «چهر موالی شه و روی عدو سیاه» ثبت کرده که مساوی با (۹۷۸) است و صحیح آن «عدوی شاه» است.
۶. در اصل و فیض: «آمد» ولی در «ریحانة الادب» کلمه «اما» است که تناسب بیش‌تری دارد و آن را انتخاب کردیم و جالب است که بدانیم جمله «شصت و دو بیت» در مصرع اول و جمله «مصارع یکصد و بیست و چهار» نیز، هر یک معادل با عدد ۱۲۱۸ است.
۷. مدرس نوشته است که در دو نسخه تاریخ قم چاپی موسوم به «مختار البلاد» و تذکره «زینت المدایح» خطی تألیف محمد صادق وقایع‌نگار از معاصرین ناطق، در چند بیت از ابیات این قصیده، اختلافاتی وجود دارد که مغایر هم می‌باشند و مدرس کتاب «مختار البلاد» یا «تاریخ قم» را اصل قرار داده و اختلافات نسخه «زینت المدایح» را به عنوان نسخه بدل ذکر کرده است که علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب «ریحانة الادب» ذیل شرح حال ناطق اصفهانی مراجعه کنند (نک: ریحانة الادب، ۱۱۷/۶-۱۱۸؛ زینت المدایح، نسخه خطی؛ مختار البلاد، ص ۸۸).
۸. ایوان طلا و ایوان‌های طرفینش که در جهت شمالی روضه واقع است، از احداثات شاه بیگم دخترشاه اسماعیل صفوی است که در سال ۹۲۵ قمری با حرم مطهر و گنبد و گلدسته‌ها همزمان ساخته شده و از بناهای شاه اسماعیل نیست؛ چنان‌که پیش از این نیز اشاره کردیم و فقط در زمان شاه اسماعیل ساخته شده است. (نک: گنجینه آثار قم، ۴۹۰/۱).
۹. جالب است که در این کتیبه هم نوشته است که شاه اسماعیل آن را بنا کرده بلکه نوشته است: «اما بعد فقد اتفق بناء هذه العمارة الرفیعة والروضه المقدسة المنیعة فی زمن خلافة السلطان الاعدل الاعلم... ابوالمظفر شاه اسماعیل بهادرخان» و این نشان می‌دهد که این بنا در زمان ایشان ساخته شده و نه به امر یا به وسیله ایشان.

کردم رقم زیمن آله این قصیده را
 کز یمن آن بدفتر من جوهر آمده
 ابیات این قصیده هر آن یک بدلبری
 مانند حسن روی تبان دلبر آمده
 حاصل چه قبه اوج بزر داد مهر گفت
 این قبه قدر و زینت و اوج آمده^۱
 گفتم قصیده که چنان لعل پر بها^۲
 مقبول طبع قابل هر اشعر آمده
 هر مصرعی از این چه یکی حور لاله رو
 هر بیت آن دو ماه پری پیکر آمده
 «ناطق» بگو دعا که بمرآت طبع و عقل^۳
 پیدا دعای شاه عطا گستر آمده
 تا اسم نرگس آمده و لاله در زبان^۴
 تا نام اصغر آمده و احمر آمده
 چهر موالی شه و روی عدوی شاه^۵
 از شوق احمر و زعنا اصغر آمده
 قطعه
 ز طبع من چه شد نظم این قصیده
 که هر بیتش دو در شاه وار است
 بود شصت و دو بیت ابیاتش اما^۶
 مصارع یکصد و بیست و چهار است
 از آن تاریخ ابیاتش هویدا است
 از این تاریخ مصراع آشکار است^۷

ایوان طلا

ایوان طلا واقع است در طرف صحن عتیق از بناهای شاه اسماعیل صفوی است که در سنه ۹۲۵^۸ [هجری] آن را بنا نموده و تاریخ آن به عربی این است: «فی شهر رجب المرجب من سنة خمس و عشرين و تسعمائة، کتبه ولی الحسینی سنة ۹۲۵».

در کتیبه طاق، آیه نور نوشته [و] آخر آن نوشته: «عمل حسن قمی، کتبه الشریف الرضوی» کتیبه پایین: «الحمد لله الذی هدانا لهذا الی آخر»^۹ تاریخ اتمام طلای ایوان ۱۲۶۷ [هجری]. صفحات روی ایوان

بقیه او را اتمام فرموده، جمیع مقرنس به خشت‌های زرین مزین گردید و مبلغ چهار هزار تومان به مصرف این کار رسید و مبلغ دوازده هزار تومان هم که خاقان مغفور خرج کرده بودند.

ایوان آیینه

ایوان آیینه از بناهای آقا ابراهیم آبدارباشی است که در خاتمه عمر، ملقب به «امین السلطان»^۱ گردید. در سنه ۱۲۹۸ [هجری] ابتدای بنای آن نموده و بعد از وفات امین السلطان میرزا علی اصغر خان صدراعظم^۲ در سنه ۱۳۰۳ [هجری] آن را به اتمام رسانید کتیبه در آن ایوان به سنگ مرمر، به خط ثلث ملا رجب علی مذهب طوسی، بر روی آن سنگ مرمر نوشته و انشای کتیبه این ایوان را مرحوم شیخ محمد حسین چارمردانی که از اجلة علمای این بلد بوده نموده و آن این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الله نور السموات والأرض مثل نوره
كَمْشَكْوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِيٌّ
يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ
لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^۳ و بعد لقد حاز اصل المجد
و الشرف و جاز كل سلف و خلف ببناء هذا الصحن و الايوان المباهي
في دهو جماله ابهى قصور الجنان في دولة الأمن و الأمان و دورة العدل
و الاحسان عهد السلطان على الاطلاق و الخاقان بالاتفاق، الشهير
بصفاته بل لشتهر^۴ بذاته الجدير لها بحقيقة كما انها لاتجدد الا
بحضرتة السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن
الخابان ابوالمظفر و الانتصار، ناصرالدين شاه قاجار لازالت بقاع
الارض بندي عدله مطلولة^۵ و سيوف الشريعة المطهرة في ايامه مسلولة،
جناب الأجل الاكرم و حضرت^۶ الاعظم الافخم ذو المعالي الذي^۷ دلت
على طيب الاعراق و المحامه التي انعقد عليها الاتفاق خفقت على شريف
رأسه من المكارم و النبود و خضع لهيبته سلطان العسكر و الجنود و خز
لجلاله السيد و المسود و ذلت بصعوته الصواري^۸ من الاسود، وزير
الخابان امين السلطان ميرزا على اصغر خان نجل سمي خليل الرحمن،
فخر عصره و فحل دهره فلا غرو أن يجرى الجود على مثله و تلوح مخابل
الليث في شبلة، قد ارتقى الى معارج عالية و مدارج ساميته و هيئ^۹ له
و سادة الصدارة و خلف منه امارة الوزارة و منه اصول هذه العمارة،
فالجناب الأجل النبيه خلف صدق من ابيه.

نظم:

يا به اقتدى امين في الشرف ولكن الفضل يكون للخلف
فارخ عام للبناء^{۱۰} ان ترم مخاسن هذه جنة قم^{۱۱}

فرش سنگ ایوان آیینه

فرش سنگ زمین ایوان در سنه ۱۳۰۷ [هجری] اختتام یافت و تاریخ اتمام دو کفش خانه مبارکه در ایوان آیینه واقع است، در سنه ۱۳۰۹ [هجری] می‌باشد و تاریخ بنای صحن مطهر در محل خود مذکور خواهد شد، ان شاء الله تعالی.

۱. آقا محمد ابراهیم گرمردی فرزند زال ارمنی ملقب به «امین السلطان» از اهالی سلماس. پدرش مسلمان شد و خود او از جمله غلام بیجهایی بود که ابتدا در دستگاه سلیمان خان، برادر مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه قاجار خدمت می‌کرد و سپس به شغل آبدارباشی گمارده شد و با ابراز لیاقت مورد توجه کارگزاران حکومتی قرار گرفت و در ۱۲۸۶ قمری به «امین السلطان» ملقب شد و در ۱۲۹۶ قمری نقشه بنیان صحن جدید حضرت معصومه را طرح کرد و به حفاری پایه‌ها پرداخت، اما در رمضان ۱۲۹۸ یا ۱۳۰۰ قمری در راه خراسان دیده از جهان فرو بست: شرح حال رجال ایران، ۲/۱-۷؛ تاریخ منتظم ناصری، ۴۸۲/۱ و ۱۲۲۳/۳ و ۱۹۰۸/۳، ۱۹۲۴ به بعد؛ افضل التواریخ ص ۲۴۶؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ۱/۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۸۴، ۱۱۸ به بعد؛ گنجینه آثار قم، ۱/۱، ۴۲۱؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۴، ۴۲، ۴۴؛ خاطرات و خطرات، ص ۳۲.

۲. میرزا علی اصغر خان فرزند آقا محمد ابراهیم معروف به «اتابک اعظم» و ملقب به «امین السلطان» (۱۲۷۵-۱۳۲۵ ق / ۱۸۵۸-۱۹۰۷ م) صدر اعظم سلاطین قاجار. وی نخست عنوان صاحب جمع داشت و در ۱۳۰۱ قمری به امین‌الدوله ملقب شد و پس از مرگ پدرش لقب و مشاغل وی را به ارث برد و در آن زمان ریاست بیوتات سلطنتی و ضرابخانه و گمرک و خزانه و وزارت دربار را به عهده داشت و سپس به مقام وزیراعظم و بعد به مقام صدر اعظمی انتخاب شد. او از صدر اعظم‌های مقتدر زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود و در رجب ۱۳۲۵ قمری به هنگام خروج از مجلس شورای ملی، ترور شد: شرح حال رجال ایران، ۲/۲-۳۸۷-۴۲۵؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۴-۱۶؛ گنجینه آثار قم، ۱/۱، ۵۹۵ به بعد؛ تاریخ منتظم ناصری، ۵۵۱/۱، ۵۵۳، ۲۱۰۹/۳ به بعد؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار) ۱/۱، ۴۱، ۴۴، ۱۱۸ به بعد.

۳. سوره نور/ ۳۵.

۴. در اصل: (شهر).

۵. در اصل: (مطلولة).

۶. (حضرة).

۷. در اصل: (التي).

۸. در اصل: (لصعوبته الضراری).

۹. در اصل: (و شيء).

۱۰. در اصل: (و ادخ عام و البناء).

۱۱. جمله: (هذه جنة قم) به حروف ابجد معادل ۱۲۹۳ است که امکان دارد سال آغاز ایوان آیینه به شمار رود.

به تهران بازگشت و تا آخر عمر در تهران بیکار باقی ماند و بر اثر ناخوشی نقرس در ۱۳۰۷ شمسی برابر با ۱۳۴۷ قمری در تهران دیده از جهان فرو بست و در حضرت عبدالعظیم، در مقبره ناصرالدین شاه به خاک سپرده شد: شرح حال رجال ایران، ۱۴۹/۳-۱۶۱؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ۳۴/۱، ۴۰، ۴۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۳، ۱۵۹، ۱۳۰، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۷؛ تاریخ منتظم ناصری، ۷۸۷/۲ به بعد و ۱۵۱۹/۳ به بعد؛ مجله یغما، سال ۸ ش ۵۲۳/۱۱-۵۲۷؛ گنجینه آثار قم، ۴۲۱/۱؛ خاطرات و خطرات، ص ۵۲، ۷۴، ۷۹، ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۵۴، ۱۶۹، ۲۳۷، ۲۹۹، ۳۶۹.

۳. گلدسته‌های طلا از آثار شاه بیگم دختر شاه اسماعیل صفوی است که همزمان با بنیان ایوان در ۹۲۵ قمری ساخته شده است. از نقشه‌ای که در صفحه ۶۴ سفرنامهٔ آدام اولناریوس مربوط به سال ۱۱۰۸ قمری، دیده می‌شود، چنین استفاده می‌شود که دو گلدسته سابق بدون تالارچه بوده است که در جنوبی روضه ایوان دیگری به جای حرم زنانه یا مقبره شاه صفی به قرینه ایوان شمالی وجود داشته که مناره‌هایی در دو طرف آن بدون تالارچه ساخته بودند و چه بسا که در طرفین ایوان شمالی هم گلدسته‌هایی وجود داشته که در هنگام بازدید و نقشه‌برداری آدام اولناریوس خراب و یا تحت تعمیر و تجدید قرار داشته است؛ زیرا در سال ۱۲۹۸ قمری که بنای گلدسته‌های طرفین ایوان طلا از طرف لطفعلی خان زند، والی اصفهان و قم و کاشان تجدید شده، هاتف، شاعر اصفهانی در قصیده خود که بدین مناسبت چنین سروده است:

کهن گلدسته قم را که ویران بود بنیادش

مجدد شد به حاکم او اساس و تازه شد بنیان
و چنین می‌رساند که به جای آن‌ها گلدسته‌هایی قدیمی بوده که بر اثر بروز زلزله در ساق آن‌ها شکستی راه یافته است و در زمان سلطنت علی مرادخان زند، لطفعلی خان فرزند جعفرخان زند به تجدید بنای آن‌ها همت گماشت. اما چون چاپ دیوان هاتف در زمان آقا محمد خان قاجار بوده، از میانهٔ قصیده یک یا دو بیت که از نام لطفعلی خان زند حکایت داشته سانسور شده است. گویند قصیدهٔ مزبور در پیشانی ایوان طلا به صورت کتیبه‌ای وجود داشت که در سال ۱۲۰۸ قمری، محمد خان قاجار مدت چهل روز شهر را در محاصره گرفت، تا سرانجام با نیرنگ وارد شهر شد و به قتل و غارت شهر پرداخت و با زجر و حبس اهالی و مستعدیان آستانه، کتیبهٔ مزبور را برچسبید و آثار آن را از میان برد.

به هر حال از ابیات این قصیده چنین برمی‌آید که گلدسته‌هایی کهن و ویرانی وجود داشته که در ۱۱۹۸ قمری تجدید بنا شده است. این گلدسته‌ها تا آغاز سلطنت ناصرالدین شاه قاجار باقی بوده، ولی به مرور ایام بار دیگر در جدار آن‌ها شکستی راه یافته و خراب شده و چون ناصرالدین شاه از تذهیب ایوان فراغت یافته، محمد حسین خان شاهسون معروف به شهاب‌الملک، در مقام تجدید دوبارهٔ این دو گلدسته برآمده که تاکنون پا برجا هستند. ارتفاع آن‌ها از سطح بام ۱۷/۴۰ و از کف صحن ۳۲/۲۰ متر و قطر ۳/۵۰ متر به استثنای نیم متر پایین آن که آجری و مصلع است، بقیهٔ جدار آن تا زیر تالارچه آراسته به بهترین کاشی‌های گره‌سازی خوش نقش و رنگ پیچ مزین به ترنج‌هایی بدیع است که در میان آن‌ها اسامی جلاله و نام‌های محمد و علی به خط بنایی چیده شده است. در ۱۳۰۱ قمری کامران میرزا، فرزند ناصرالدین شاه، پوشش لگنی غرفهٔ گلدسته‌ها را زرانندود ساخت (نک: گنجینه آثار قم، ۵۸۶/۱-۵۹۰).

گلدسته‌های صحن مطهر

دو گلدستهٔ طلا که روی ایوان طلا واقع است، از بناهای شهاب‌الملک محمد حسین خان شاهسون^۱ است که در سنهٔ ۱۲۸۵ [هجری] او را بنا نموده. بام این دو گلدسته مزین است به خشت‌های زرین نایب‌السلطنه کامران میرزا^۲ فرزند ناصرالدین شاه، در سنهٔ ۱۳۰۱ [هجری] بام این دو گلدسته را طلا نموده و مبلغ ۱۲۲۵ تومان، به مصرف این کار رسیده [است].^۳

گلدسته‌های صحن جدید

دو گلدسته [ای] که روی ایوان آیینه واقع است، از بناهای صدراعظم

۱. حاج حسین یا حاج محمد حسین خان شاهسون، ملقب به «یوزباشی، شهاب‌الملک و نظام الدوله» که در ۱۲۷۱ قمری، درجه و منصب وی در نظام یوزباشی و معروف به حسین خان یوزباشی بود و در ۱۲۷۳ قمری در لشکر کشی به هرات و فتح آن، جزو سپاهیان دولت و از سرکردگان سپاه بود و سال بعد به جای اسماعیل خان بشیرالدوله، به چپارچی باشیگری منصوب و در ۱۲۷۶ قمری، به شهاب‌الملک ملقب شد و در ۱۲۸۲ قمری به ریاست قشون و سرداری لشکر خراسان منصوب و از ۱۲۸۴ قمری، نائب‌المکومه و حاکم کرمان شد و در ۱۲۸۹ قمری به سمت والی خراسان انتخاب گردید. وی در ۱۲۹۱ قمری ملقب به نظام الدوله شد و در ۲۳ محرم ۱۲۹۲ قمری در خراسان در گذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد: شرح حال رجال ایران، ۳۹۴-۳۹۳/۱؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ۴۵/۱، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۷۰، ۷۸، ۱۰۶، ۵۲۷/۲؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱۸۷۵/۳، ۱۸۸۸، ۱۸۹۸؛ گنجینه آثار قم، ۴۲۱/۱.

۲. کامران میرزا ملقب به نایب‌السلطنه، پسر سوم ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۷۲-۱۳۴۷ ق/ ۱۸۵۶-۱۹۲۸ م) از افراد پسر نفوذ و قدرتمند دورهٔ ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار وزیر جنگ و رئیس کل قشون، حکمران تهران، مازندران، ساوه، کاشان و قم و همه کارهٔ پیشگاه و دربار سلطنتی بود.

وی مدت ۱۶ سال در سمت وزارت جنگ باقی بود. در ۱۲۷۷ قمری در سن شش سالگی معاونت پاشاخان امین‌الملک حاکم تهران منصوب و در ۱۲۸۳ قمری که ناصرالدین شاه عازم خراسان بود، وی نایب‌السلطنه شد و در ۱۲۸۷ قمری به عنوان نایب‌السلطنه و وزیر جنگ برگزیده شد و در طول زمان مظفرالدین شاه برادرش و محمد علی شاه و احمد شاه قاجار نیز دارای وظایف و مسئولیت‌هایی بود. آخرین سمت وی در زمان احمدشاه قاجار در ۱۳۳۵ قمری، استانداری خراسان بود و پس از عزل

است و در سنه ۱۳۰۵ [هجری] تاریخ اتمام آن است.^۱

[گلدسته‌های مأذنه]

اما دو گلدسته مأذنه که دو طرف شرق صحن مطهر و مقابل ایوان آیینه واقع است، در سنه ۱۳۱۲ [هجری] اختتام یافت.^۲ گلدسته مأذنه که در صحن عتیق واقع است، از صحن عتیق که می‌خواهند داخل مدرسه فیضیه شوند کرباسی است و بر بالای کرباس مقابل ایوان طلا، گلدسته‌ای است که مشتمل بر هشت ستون است و روی گلدسته، مزین است به خشت‌های زرین، بانی این گلدسته، شاه سلطان حسین صفوی است و نام شاه سلطان حسین، در آن جا مضبوط است و تاریخی دارد که چشم‌بنده به خواندن آن تاریخ وفا نکرد.^۳

[خزانه مبارکه]

اما خزانه مبارکه، در سابق بر این خزانه مبارکه، در طرف پایین پای مبارک واقع بود، اما خزانه حالیه واقع است در رواق زنانه، ملصق به مسجد پایین پای، دری دارد مشبک از نقره و این دو رباعی در طرفین یمین و یسار در خزانه نوشته است:

به عهد پهلوی آن خسرو سپهر سریر

مهین شهنشه گیتی ستان کشور گیر

به سال شمسی بعد از هزار و سیصد و نه

شد این خزانه به دستور تولیت تعمیر

.....

مطاف اهل یقین منظر خدا این جاست

خزانه حرم و خانه خدا این جاست

ز فیض حضرت معصومه بضعة موسی

همان زمین که کند فخر بر سما این جاست

و سنه ۱۳۴۹ [هجری] تاریخ بنای این خزانه است^۴ و چون آنچه

جواهر آلات از سلاطین صفویه و قبل از آن در خزانه مبارکه بود،

۱. گلدسته‌های بلند که به طور زوجی بر فراز دو جرز طرفین ایوان آینه قرار دارد از شاهکارهای استاد حسن معمار قمی است و میرزا علی اصغرخان اتابک صدراعظم ایران آن‌ها را ساخته است. این گلدسته‌ها دو راه پله داخلی برای بالا رفتن و بازگشتن دارد. که از ابتکارات استاد حسن است. این دو راه پله که از سطح بام ساخته شده برگرد محوری از سنگ خارا می‌پیچد و سنگ‌های مزبور استوانه‌ای، مانند بام غلطان قطوری است که میانه آن‌ها را سوراخ کرده، درون آن‌ها میله آهنی قطوری به کار برده و آن‌ها را با سرب گداخته به هم دوخته‌اند تا در برابر سوانح مقام بمانند.

ارتفاع آن‌ها از سطح بام ۲۸ متر قطرشان ۳/۳۰ و محیطشان ۱۰/۵۰ متر و از سطح زمین ۴۲/۸۰ متر و اسلوب ساختمانشان متنوع و سرپایا آراسته به کاشی‌های گره‌سازی است و در مواضع مختلف ترنجی و در میانه آن‌ها اسامی جلاله به خط ثلث سفید معرق شده است و در اضلاع هشتگانه قسمت پایین آن‌ها تصاویری از شیر و خورشید و شمشر نمودار است. اسلوب ساختمان آن‌ها از سطح بام ابتدا به ارتفاع سه متر مضلع مثنی متساوی الاضلاع است که یکی در میان در قسمت بالا نقش شیر و خورشید و روی بقیه، اسامی جلاله مانند: یا منان، یا سبحان و یا درمان نقش بسته است. این گلدسته‌ها از نظر اسلوب ساختمان و راه‌پله‌های زوجی هشتاد پله‌اش، از سطح بام تا تالارچه، یکی از شاهکارهای هنری معماری است و تاریخ اتمام آن‌ها: ۱۳۰۳ قمری است که با تاریخ ۱۳۰۵ سازگار نیست و شاید بتوان این دو تاریخ را به این شکل با هم وفق داد که یکی تاریخ آغاز و دیگری تاریخ اتمام آن است (نک: گنجینه آثار قم، ۱/۵۹۱-۵۹۲).

۲. بر فراز نبشی‌های تورفتگی صحن جدید دو گلدسته نسبتاً کوتاه وجود دارد که از تاریخ پیدایششان تاکنون، همواره مأذنه آستانه مقدسه بوده‌اند و سابق در هر شبانه‌روزی سه نوبت مؤذنان موظف آستانه در تالارچه آن‌ها گرد می‌آمدند و به طور متناوب و دسته جمعی اذان می‌گفتند، ولی اینک یک بلندگو پهلوی ستون آن‌ها نصب شده است و صدای مؤذنی را که بر روی نوار ضبط شده پخش می‌کند.

این گلدسته‌ها به ارتفاع ۱۳/۵۰ متر از سطح صحن و قطر ۳ و محیط ۹/۹۰ متر، به شکل مضلع هشت ترقی متساوی ساخته شده و دارای یک راه پله پیچ‌دار داخلی است که از سطح بام ساخته شده و بالای آن تالارچه‌ای زیباست (نک: گنجینه آثار قم، ۱/۵۹۳-۵۹۴).

۳. به گفته فیض، در آستانه فاطمیه اکنون شش گلدسته (سه زوجی) با تالارچه زیبا وجود دارد که هر دوی آن‌ها با هم مشابه و با گلدسته‌های دیگر متفاوتند که با افزودن وصف بلند و کوتاه و متوسط از یک‌دیگر امتیاز می‌یابند (نک: گنجینه آثار قم، ۱/۵۸۶) اما بر اساس نوشته کتاب «بارگاه حضرت معصومه» در (ص ۳۷ تا ۳۹): «باید گفت که آستانه مبارکه حضرت سنی فاطمه - علیها سلام - از نظر تعداد مناره‌های کوچک و بزرگ در تمام ابنیه مذهبی ایران و جهان نمونه است و علاوه بر چهار مناره بلند که در دو طرف ایوان طلا و ایوان آیینه ساخته‌اند، جا به جا بر فراز ایوان‌های صحن جدید و در دو طرف ایوان‌چه‌های جانبی تالار ایوان آیینه نیز مناره‌های توپری که اکثر به ارتفاع شش متر و مزین به کاشی هستند، احداث شده و این مناره‌های کوچک و بزرگ زیبایی خاصی به این ابنیه داده است» سپس افزوده است: «روی هم رفته در ابنیه آستانه قم ۲۲ مناره کوچک و بزرگ دیده می‌شود». اما آنچه اکنون ملاحظه می‌کنیم مجموعه مناره‌ها و گلدسته‌های کوچک و بزرگ به ۳۰ عدد می‌رسد.

۴. در سال ۱۳۱۴ شمسی مرحوم علی اصغر حکمت، وزیر معارف و اوقاف وقت، به منظور حفظ و نگهداری اشیاء عتیقه و جواهر آلات آستانه مبارکه و سایر اشیاء عتیقه شهرستان قم و حفاظت و حراست از آن‌ها، موزه جدید آستانه مبارکه و سایر اشیاء عتیقه شهرستان قم و حفاظت و حراست از آن‌ها، موزه جدید آستانه را تأسیس کرد و ابتدا اشیاء نفیس و جواهرآلات و سایر عتیقه‌هایی که در درون دو مخزن روضه مطهر بود به آن جا منتقل نمود و سپس سایر نفایسی را که از سایر مشاهد متبرکه شهرستان گردآوری شده بود به آن جا انتقال دادند و به این ترتیب موزه آستانه شکل گرفت (نک: گنجینه آثار قم، ۱/۶۳۸).

می‌شود. البته باید اشاره کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در گرماگرم هیجانات انقلاب نیز این موزه دچار آسیب شده و به گفته برخی از افراد آگاه، اشیای نفیس و گران‌بهای این موزه مورد تهاجم افراد فرصت طلب و چپاولگر و سوداگر قرار گرفت و به غارت رفت، تا این‌که تولیت جدید پس از انقلاب به سروسامان دادن هرج و مرج دوران انقلاب پرداخت و موزه جدید بنا گردید و همه اشیاء و هدایا به آنجا منتقل و شماره گذاری شد (نک: گنجینه آثار قم، ۱/۶۳۸-۶۵۶ که به تفصیل اشیاء و هدایا را معرفی کرده و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱/۳۶۱)

۲. مکان مسجد بالای سر، در دوران صفویه با فضایی به عرض ۶ و طول ۳۵ متر به عنوان میهمان سرای آستانه مقدسه به شمار می‌آمده و در واقع رواق غربی حرم بوده است؛ شامل سه بخش که در سال ۱۲۳۶ ق/ ۱۸۲۰ م شاهزاده محمد تقی میرزا حسام السلطنه فرزند فتحعلی شاه قاجار آن را تجدید بنا کرد و به صورت مسجدی درآورد با دو گنبد که بزرگ‌ترین مکان از اماکن متبرکه آستانه به شمار می‌آید. در برخی منابع و مأخذ اشاره شده است که شامل سه گنبد بی‌درپی با ازاره کاشی و تزیینات گچبری و محرابی زیبا بنا شده است. در سال ۱۳۳۸ قمری مرحوم آیت الله فیض، خرابه غرب این بنا را که به شکل زمینی بود با عرض ۸ و طول ۴۸ متر و به این ترتیب فضایی با عرض ۱۴ و طول ۴۸ متر به دست آمد با شش چشمه روی پوش که بر سه ستون قطور آجری ۳ در ۲ متر استوار گردید. این بنای مقدس برپا بود تا زمانی که مسجد اعظم به امر حضرت آیت الله بروجردی ساخته شد و از آن جایی که دیگر بنای قدیمی مسجد بالاسر بین ساختمان بزرگ حرم مطهر و مسجد اعظم نو بنیاد، نمای خوبی نداشت، متولی وقت آستانه، سید ابوالفضل تولیت، به تجدید بنای آن پرداخت و ساختمان قدیمی را از سطح زمین برداشت و به جای آن، عمارتی رفیع به عرض ۱۴ در ۴۸ متر بدون ستون و با ویژگی‌های فراوان معماری اسلامی بنا نمود که امروز یکی از باشکوه‌ترین اماکن متبرکه حرم مطهر محسوب می‌شود. رواق کنونی، و به تعبیر درست‌تر مسجد بالاسر فعلی، با سطح صاف تیر آهنی بنا نهاده شده و ازاره آن از مرمر سهندج مرغوب با طاق‌نماهای تزیینی از کاشی معرق است.

اخیراً (حدوداً پنج سال پیش) در ماه مبارک رمضان و در شب‌های قدر، تولیت فعلی آستانه مبارکه دیواره حایل بین این مسجد و مقبره حضرت آیت‌الله بروجردی را تخریب و سه درگاه از این مسجد به آن مقبره و مسجد اعظم باز نمود و به این ترتیب بر وسعت فضای مسجد بالاسر افزوده شد. از برخی افراد مطلع شنیدم که خود حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز در هنگام بنای مسجد و مقبره خویش، چنین نظری داشته است و دیواره حایل را طوری ساخته بوده که بعدها اگر تخریب شد به نمای مسجد اعظم، مقبره خود و مسجد بالاسر و حرم آسیبی وارد نیاید. گرچه شنیدم که نوادگان آن مرحوم با این کار مخالف بوده و رضایت به تخریب نداده‌اند.

در جنوب این مسجد قبور فقیهان و عالمان معروفی مانند آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، آیت‌الله حاج سید حسن صدر، آیت‌الله سید احمد خوانساری، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله میرزا هاشم آملی، استاد شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله مدنی و آیت‌الله علامه طباطبائی به خاک سپرده شده‌اند: بارگاه حضرت فاطمه معصومه تجلیگاه حضرت فاطمه زهرا (ع)، ص ۵۸، ۷۰، ۷۱؛ فروغی از گذشته حضرت فاطمه معصومه (س) ص ۱۱۱-۱۱۲؛ دائرة المعارف تشیع، ۱/۸۵؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱/۳۰۱؛ گنجینه آثار قم، ۱/۶۲۰-۶۲۵.

محمود و اشرف افغان، در سلطنت خود که بعد از سلطنت صفویه بوده، همه را به غارت بردند و آنچه را که در سلطنت افشاریه و زندیه الی زمان واسط ناصرالدین شاه قاجار، جواهرات از قبیل چاقه و گل کمر و غیره که سلاطین و امرا و شاه زادگان بر سرکار فیض آثار وقف نموده بودند، چه بر ضریح مطهره نصب شده بود، جمیع را حاجی میرزا سید حسین متولی باشی، از جهت آنکه مصون و محفوظ از دست سارقین باشد، آن جواهرها را در میان قابی از چوب نهاده، اطراف او را به صفحه‌ای از طلا مزین نموده و بر روی آئینه بزرگی گزارده که آن جواهرها همه ظاهر و هویدا باشد ولی مصون و محفوظ بماند و آن قاب را بر بالای ضریح مطهر منصوب و مضبوط نموده‌اند.^۱

مسجد بالای سر^۲

مسجد بالای سر در جهت مغرب روضه مطهره واقع است، ابتدا دو مرافق و مکان از بیوتات روضه مطهره بوده، از بناهای شاه اسماعیل صفوی. شاهزاده محمد تقی میرزای حسام السلطنه خلف

۱. از آغاز بنای حرم و گنبد و بارگاه حضرت معصومه (س) تا به روزگار ما، زایرین و مجاوران حرم و فرمانروایان، امیران، پادشاهان و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت، از دور و نزدیک، اشیاء گران‌قدر و نفیسی به این آستانه مقدسه اهدا کرده‌اند و پیش از تأسیس موزه جدید، طی سالیان متمادی چون جایی برای نگهداری این هدایای ارزشمند و نفیس در مجموعه حرم مطهر وجود نداشت، به صورت پراکنده در اطراف بقعه متبرکه و زوایای حرم مطهر بر روی هم انباشته شده بود و به راحتی در اختیار غارتگران، چپاولگران و دزدان قرار داشت و بسیاری از آن‌ها از میان رفت و چه بسا در جنگ و ستیزهای سلسله‌های سلاطین و حاکمان و فرمانروایان طماع نیز، بسیاری از این گنجینه نفیس به غارت رفت، تا این‌که در ۱۳۱۴ شمسی وزیر معارف وقت، مرحوم علی اصغر حکمت - چنان‌که اشاره شد - در غرب حرم زنانه محلی را برای تأسیس موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) در نظر گرفت و پس از نوسازی آن به موزه آستانه اختصاص یافت. اما پس از چندی موزه را به محلی در جنب مدرسه فیضیه، در کنار دفتر تولیت آستانه، جایگاه فعلی آن انتقال دادند و در جای ساختمان موزه سابق، مسجد موزه را بنا کردند.

در این موزه اشیاء نفیسی چون مسکوکات کهن و گران‌بها، زرین و سیمین اسلامی از روزگار خلفای عباسی تا روزگار معاصر، قالیچه‌های نفیس، درهای زرین و سیمین، قندیل و چلچراغ و شمعدان و ... نگهداری

فتحعلی‌شاه^۱ در سنه ۱۲۳۴ [هجری] آن دو مکان را یکی کرده به وضع حالیه تعمیر کرد و بساخت، چنانچه این رباعی ماده تاریخ است از بنای آن شاهزاده که در محراب آن مسجد نوشته است:

از حکم تقی شاه سلیمان اقبال

بریا چه شد این مسجد فردوس مثال

گفتم پی تاریخ که «باء این مسجد

تا روز جزا قبله ارباب کمال»^۲

کتیبه مسجد

میرزا اشراق^۳ شاعر را قصیده‌ای است که در کتیبه دور مسجد نوشته شده و تاریخ بنای مسجد است.

قصیده این است:

تاکنند در بزم گردون گردش این زرینه خام

دور گردون بادیارب شاه عالم را به کام

خسرو گیتی ستان فتحعلی شاه آن که داد

خنگ گردون را قضا در قبضه حکمش زمام

آن که آمد در حریم احترامش مهر و ماه

این یکی رومی کنیز و آن یکی چینی غلام

گر نباشد از خیام احتشام جاه شاه

این مرصع بارگاه اطلس فیروزه فام

مشعل سیمین ماه و مجمع زرین مهر

محفلش را از چه باشد جلوه گر هر صبح و شام

طبع او بحری است اما نیست لؤلؤ باش یم

دست او بری است اما نیست لعل افشان غمام

بهر استحضار شرق و غرب کو تعیین نکرد

دو درخشان رای اینک تیزهوش و تیزکام

شام گاهان مهر را از چیست در مغرب محل

بامدادان ماه را از چیست در مشرق مقام

چرخ مینا زد به عهد او که بادا متصل

دهر می‌بالد به عصر او که بادا مستدام

دوش گفتم با خردکای زنده سال و سالخورد

سالخوردی همچو تو تا چند پوید چام‌چام

قاف مسجد را تویی عنقا و ما را پای مرد

گرچه پا خاریم صیاد اجل را پای دام

۱. محمد تقی میرزا حسام السلطنه اول، هفتمین پسر فتحعلی شاه قاجار که مادرش زینب خانم، خواهر علیخان چهارلنگ بختیاری بود، در روز شنبه

ششم صفر المظفر ۱۲۰۶ در اصفهان دیده به جهان گشود و در هشت سالگی همراه پدرش فتحعلی شاه به کاشان رفت و در ۱۸ سالگی به حکومت لرستان شامل بروجرد، سیلاخور و چایلق منصوب شد و چون جوان و بی‌تجربه بود، پدرش شخصی با تجربه به نام میرزا علی گرانیلی را به عنوان وزیر وی برگزید، تا اصول حکومت و امارت را به وی بیاموزد و در کارها یار و کمک کار او باشد. دیری نپایید که محمد حسین میرزای حشمت الدوله برادرزاده‌اش که حاکم کرمانشاهان بود، در ۱۲۴۶ قمری به طمع گسترش مناطق تحت فرمان خویش و توسعه حوزه نفوذ خود، بدون اطلاع پدر بزرگش فتحعلی شاه به ناحیه لرستان لشکر کشید و در بیرون شهر خرم‌آباد، میان عمو و برادرزاده جنگ درگرفت و به شکست حسام السلطنه منجر گردید و حسام السلطنه به بروجرد بازگشت و با پا در میانی برخی کار به مصالحه و ترک جنگ میان آنان انجامید. اما بار دیگر در ۱۲۴۷ قمری حشمت الدوله به لرستان لشکر کشید و این بار نیز حسام الدوله شکست خورد و چون فتحعلی شاه از این ماجرا مطلع شد غلامحسین خان سپه‌دار را به عنوان حاکم بروجرد تعیین کرد و به آن سمت گسیل داشت و حشمت الدوله وقتی با خبر شد که سپه‌دار به عزم لرستان حرکت کرده، به کرمانشاهان بازگشت و حسام الدوله نیز از حکومت بروجرد و لرستان عزل گردید.

او در ۱۲۲۸ قمری یک بار به امر پدرش، از راه سرچم و ینک بی، به آهنگ جنگ روس به آذربایجان رفت و در ۱۲۵۰ قمری از طرف پدر خویش برای وصول مالیات فارس به شیراز فرستاده شد. ولی پس از مرگ پدرش، همراه با یازده تن از شاهزادگان در قلعه اردبیل زندانی گردید و پس از چندی به تبریز منتقل شد. برخی نوشته‌اند که در زمان محمد شاه قاجار برادرش، از کلیه مناصب دولتی و حکومتی معزول و معاف شد و در تبریز اعتکاف کرد و در زمان ناصرالدین شاه قاجار از وی اجازه گرفت تا به مشهد برود، ولی پیش از حرکت به مشهد در ۱۲۶۵ یا ۱۲۶۸ و یا ۱۲۷۸ قمری دیده از جهان فرو بست و جنازه‌اش به مشهد مقدس منتقل شد و در توحیدخانه مبارکه آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد. وی شعر نیز می‌گفته و تخلص او «شوکت» بوده است. فرزند او ابوالحسن میرزا معروف به شیخ الرئیس منتخلص به «حیرت» (۱۲۶۴-۱۳۳۶ ق) از مشاهیر رجال قاجار است: فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ فهرس التواریخ، ص ۳۱۵-۳۱۶، ۴۱۹؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱۴۹۴/۳؛ ناسخ التواریخ (قاجاریه) ص ۲۱۰-۲۱۸؛ آثار عجم، ص ۵۲۹ (حاشیه)؛ مجمع الفصحاء، ۳۶/۱؛ مکارم الآثار، ۳۰۲/۲-۳۰۳ و ۲۲۳۵/۶؛ رجسالی ایران بامداد، ۴۲/۱، ۱۱۴، ۱۱۹، ۳۷۷، ۳۲۴۹/۳ و ۳۱۱/۳-۳۱۲؛ الذریعه، ۵۵۱/۲/۹؛ فرهنگ سخنوران، ۵۲۸/۲. دورنمایی از شهرستان بروجرد یا تذکره حسین حزین، ص ۱۵۳/۱۵۷.

۲. عبارات بین گیومه « معادل سال ۱۲۳۶ قمری است.

۳. میرزا محمد اشراق بروجردی، از شاعران سده سیزدهم هجری که قطعاً تا ۱۲۴۷ قمری زنده بوده، زیرا در این تاریخ، در تاریخ ساختمان حوضخانه مسجد جامع بروجرد بیتی سروده که در سنگ نبشته‌ای در همان‌جا نصب شده است. وی در دستگاه محمد تقی میرزا حسام السلطنه منزلت و مقامی داشته است و محمود میرزا و معیر و حسین حزین بروجردی برخی از شرح حالاتش را بدون اشاره به تاریخ تولد و وفات وی آورده‌اند: دورنمایی از شهرستان بروجرد (یا تذکره حسین حزین بروجردی)، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ سفینه محمود میرزا، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ تذکره ممیز، نسخه خطی کتابخانه مجلس شماره ۹۰۴، برگ ۲۴؛ نگارستان دارا، ص ۶۰؛ فرهنگ سخنوران، ۶۴/۱.

وز شکوه قامتش خرم روان خاص و عام
 خدمتی انجام داد و از دختر هفتم امام
 حضرت معصومه بنت موسی جعفر که هست
 آفتاب آسمان حضرت خبر الانام
 در جواب مرقد پاکش همایون مسجدی است
 کاهل طاعت راست روز و شب مقام و ازدحام
 الغرض چون شد مقیم آن کعبه اهل صفا
 در جوار این همایون مرقد عرش احترام
 کلک گوهر زای «اشراق» از پی تاریخ او
 زد رقم «کامد مقیم این حرم بیت الحرام»^۳

دارالسیاده

دارالسیاده، خانه‌ای بود سابق مشهور به «خانه جبرئیل» از بناهای شاه اسماعیل صفوی است که در عصر سلاطین صفویه، مضاف خانه بود جنب طنابی. در سنه ۱۳۳۸ [هجری] حاجی مهدی نام طهرانی، عمارت اعیانی آن را که به تصرف فرزندان آقا سید عبدالعلی روضه خوان قمی بود به مبلغ شصت تومان ابتیاع نمود و بنای عمارت مسجد را گذاشت، به مباشرت حاجی میرزا علی اکبر باغ پنبه‌ای و در سنه ۱۳۳۹ [هجری] اختتام پذیرفت و بعد از اتمام این مسجد را به طنابی ضمیمه نمودند و مدرس که محل درس جناب حاجی شیخ عبدالکریم است از بناهای ایشان است.^۴

۱. در اصل یک کلمه افتاده است.
 ۲. در اصل یک مصرع حذف شده و موجود نیست.
 ۳. جملات «کامد مقیم این حرم بیت الحرام» به حروف ابجد برابر ۱۲۳۶ است که همان سال تاریخ اتمام مسجد بالای سر می‌باشد.
 ۴. دارالسیاده یا دارالحفاظ که اکنون در مدخل روضه مطهر در وسط اسپر ایوان طلا قرار دارد و دهانه آن ۳ و عرض آن ۱/۵۰ متر و ارتفاع آن ۴ متر تا تیزه طاق و تمام بغله‌ها و اسپر و پوشش آن مزین به کاشی‌های معرق زمینه لاجوردی است. پیش از این خانه‌ای بوده معروف به «خانه جبرئیل» از بناهای شاه اسماعیل صفوی که در روزگار صفویه میهمان سرا و یا مضاف خانه بوده و در جنب طنابی (ایوان) قرار داشته، تا این‌که در ۱۳۳۷ قمری مرحوم آیت الله فیض وقتی در صدد توسعه مسجد بالاسر برآمد، حاج میرزا علی اکبر سلامت، حاج میرزا حبیب الله و حاج مهدی سلامت تهرانی را واداشت تا این خانه (خانه جبرئیل) را بخرند و به محوطه مسجد اضافه کنند. آیت الله فیض ضمن توسعه مسجد بالاسر، عمارت مدرس را در محاذات مقبره شاه سلیمان برای تدریس خویش بنا نهاد. این مدرس بعدها محل تدریس مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه

حیرتی دادم که گردون عرضه می‌دارد چرا
 این همه رخشان گهر پیوسته در شام ظلام
 گفت سرش اینکه افشانند به رسم پیشکش
 هر که در پیشگاه شاه انجم احتشام
 رفعتی اندوخت از فیض سجود درگهش
 کاسمان را تا قیامت هست آهنگ قیام
 از قمر کردم سراغ قصر جاه او شبی
 گفت: من آگه نیم بارگه برتر خرام
 از قمر بگذشته طی کردم صراطی مستقیم
 گنبدی دیدم در او برده دبیری تیر نام
 گفت: ویحک کیستی؟ گفتم: غریبی رهنورد
 گفت: قصدت؟ گفتمش: مقصد کجا راهم کدام
 گفت: برتر، بر شدم، دیدم نشسته دو به کف
 شاهی در منظری شکر لب و شیرین کلام
 دید سویم گفت: عزمت؟ گفتمش: مقصود چیست؟
 گفت: کاخ چارمین بسپر به پای اهتمام
 بی‌سپر گردیده دیدم عالمی یکسر فروغ
 از شعاع طلعت شاهنشاه والا مقام
 باز پرسیدم ره مقصد از آن روشن ضمیر
 گفت: بالاتر رها کن رخس عزمت را سنام
 رفته رفته کشوری دیدم که ترکی سهمگین
 خوش نشسته با عمود و بیلک و قوس و حسام
 راز گفتم، باز گفت: آن بر ترک رفتم چه دید
 دیده‌ام پیری خطیب و خطبه خوان‌ش را مدام
 گفتم: آگاهی ز حال شاه آگاهیم ده
 گفت: آن ایوان که کیوان باشدش هندوی شام
 سوی خرگاه زحل پزان‌تر از سیمرخ و هم
 بال همت بر گشادم بر سر شوقی تمام
 دید و پرسیدم حدیث عزم خود کردم بیان
 بس تعجب کرد و پس گفتا: زهی سودای خام
 یار دگر یابی در آن بیاشام...^۱ باز
 می‌نپندارم که بر گردی زره مقضی المرام
 مرحبا ای تاجدار تاجداران مهین
 ای شهریار شهریاران عظام
 از فروغ طلعتش خوش وقت جان شیخ و شاب

صحن شاه عباس

صحن شاه عباس مشهور به صحن زنانه از بناهای شاه عباس ثانی است که طرف قبله روضه مطهره واقع است.^۱

بقعه شاه صفی

بقعه شاه صفی^۲ پدر شاه عباس ثانی و بقعه شاه عباس ثانی^۳ در این صحن باز می‌شود و دری از بقعه شاه سلیمان^۴ و شاه سلطان حسین باز می‌شود در مسجدی که مشهور است به طنابی که در طرف مغرب صحن زنانه است و این طنابی در سابق قبور شاهزادگان صفویه بوده است و رواق زنانه مقبره شاه صفی بوده است که فتحعلی شاه قاجار در

علمیه قم گردید و پس از وی تا هنگام تأسیس مسجد اعظم قم، مراجع بزرگ در این مدارس تدریس می‌کردند (نک: گنجینه آثار قم، ۴۲۲/۱، ۴۹۹؛ دائرة المعارف تشیع، ۸۵/۱)

۱. در سال ۱۰۵۲ قمری، هنگامی که شاه صفی در دامغان دیده از جهان فرو بست، به فرمان شاه عباس ثانی جنازه وی به قم منتقل و در ایوان قبله روضه مطهره به خاک سپرده شد و بر فراز آن، گنبدی با دو پوشش بنا کردند و در جهت جنوبی آن ایوان و طرفین آن ایوان، دو ایوانچه و جلو آن صحنی مستقل برای گنبد شاه صفی بنیان نهادند و میانه آن با روضه مطهره شبکی برنجی و گودار مرکب از سه درگاه با پنجره‌های برنزی طلایی رنگ براق و شفاف نصب کردند. این صحن به نام صحن شاه عباس یا صحن زنانه مشهور بود.

در تصویری که ژوزف گرلو، هنرمند نقاش فرانسوی، دستیار شاردن، جهانگرد معروف فرانسوی که در سال ۱۶۶۷ میلادی از مجموعه آستانه حضرت معصومه (س) تهیه کرده، مجموعه آستانه به صورت چهار صحن بزرگ مستطیل پی‌درپی است، در حالی که در یک سوی آن رودخانه و در طرف دیگر آن قبرستان قرار دارد و صحن اول، یعنی همین صحن مورد بحث (صحن شاه عباسی) در آن دیده می‌شود با سردر آجری قوس دار بزرگ میانی و دو طاق‌نما در دو سوی آن که تنها ورودی مجموعه آستانه را تشکیل می‌دهد. گرداگرد صحن را حجره‌هایی با پوشش گنبدی عرقچین فرا گرفته و سطح صحن به صورت باغی منظم و زیبا نموده شده است که شاردن از آن با صفت «فرح‌بخش» یاد کرده است.

شاردن ترجمه کتیبه سردر را که در ده بیت با آب طلا بوده و بنا را از آثار عهد شاه عباس ثانی معرفی می‌کند، نقل کرده و ماده تاریخ آن را «مشتاق درک» که مساوی با ۱۰۶۵ است ذکر نموده که ساخت و تکمیل صحن و گنبد و مقبره شاه صفی را نشان می‌دهد. زایران از راه یک سردر واقع در وسط ضلع مقابل، به صحن دوم وارد می‌شدند و از سردر واقع در انتهای صحن دوم به صحن سوم می‌رفتند.

صحن‌های عهد صفوی و شماری از بناهای آستانه بعدها دگرگون شدند و یا از میان رفتند؛ چنان‌که صحن اول به مجموعه دارالشفای تبدیل و صحن دوم و سوم درهم ادغام و مدرسه فیضیه ایجاد گردید و صحن چهارم به صورت صحن عتیق بدون تغییر عمده بر جای باقی ماند.

اینک گنبد شاه صفی به نام حرم زنانه جزو محوطه روضه مقدسه درآمد و آن شبکه را از میان برداشته‌اند و به جای صحن شاه عباس (صحن

زنانه) گنبد پنجاه ستونی و یا مسجد طباطبائی ساخته شده است. چون این گنبد در محل گوشیان ایجاد شده بود، آن را مسجد خواندن بر خلاف واقع است و در نام‌گذاری آن به «مسجد موزه» هم که مشعر بر ناسپاسی و غرض‌ورزی است، ناروا می‌باشد. بانی این گنبد بزرگ و مرتفع و مجلل، مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا محمد طباطبائی، فرزند آیت‌الله مرحوم حاج آقا حسین طباطبائی، مشهور به آیت‌الله قمی است که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ قمری بنای آن به طول انجامید و چون همزمان طرح نقشه این گنبد خیابان موزه احداث گردید، قطعه زمین مثلثی از کنار خیابان موزه هم بر محوطه آن افزوده شد. این گنبد در وسط به دهانه ۱۷ و ارتفاع ۱۷ متر است که با غلام گردش‌ها و صفحه‌های اطراف محوطه آن به دهانه ۲۴/۲۰ و ۲۴/۸۰ متر افزایش می‌یابد و دارای رواقی است مثلث که قاعده و ساق آن ۱۵ متر می‌باشد. این فراز ده پایه آجری به قطر ۲ در ۲ متر و ارتفاع ۳/۳۰ متر بنا کردند و بعداً چهار نبش کلیه پایه‌ها را تراش داده، در چهارگوشه هر یک ستونی استوانه‌ای با بتن مسلح بالا آوردند و سپس درون چهار ستون را برچیدند و پس از آن، بار گنبد بر فراز سی و دو تا چهل ستون حمل گردید (نک: گنجینه آثار قم، ۶۰۱-۶۰۰/۱ و ۶۲۶ و ۶۳۷؛ دائرة المعارف تشیع، ۸۲/۱-۸۳؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۱/۱).

۲. مقبره یا آرامگاه و یا بقعه شاه صفی را شاه عباس ثانی پس از مرگ شاه صفی در دامغان و انتقال جنازه وی و دفن در کنار حرم حضرت معصومه (س) بنا نهاده که در ضلع جنوبی حرم مطهر واقع و بر فراز آن گنبدی ساخته شد که اکنون به نام حرم زنانه جزو محوطه روضه مقدس درآمد، ولی پیش از این، با شبکه برنجی سراسری از محوطه حرم جدا بود. کاشی‌کاری‌های معرق این مقبره از آثار صفویه و بسیار جالب است. این گنبد با دو پوشش بنا شد. این مقبره را ابدارخانه‌ای بود که بعدها جزو رواق گردید و در شاه‌نشین شمالی گنبد در فاصله دو متری ضریح نقره مدفن شاه صفی واقع است و قطعه سنگ مرمری بلند و تمام قدی که سفید و شفاف است روی آن قرار دارد. روی قبر وی صندوقی بود و از خاتم و منبت بسیار نفیس که سال‌ها قبل بدون توجه به نفاست آن، آن را برداشتند و اینک در موزه آستانه نگاهداری می‌شود (نک: گنجینه آثار قم، ۴۱۷/۱، ۶۰۳/۶۰۰؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۱/۱).

۳. گنبد شاه عباس صفوی از بناهای تاریخی و پرشکوه دوره صفویه است که در سال ۱۰۷۷ قمری به دستور شاه سلیمان بر فراز قبر شاه عباس ساخته شده است. این گنبد شانزده ترکی متساوی الاضلاع دارای شانزده صفاً زیبا و آراسته به قطعات قدی از بهترین مرمر خوش‌رنگ معادن اصفهان است که نخست روی آن‌ها را بوته گل‌های زینق با مهارت کنده‌کاری کرده و سپس درون آن را با طلا و لاجورد پر ساخته و به شکل کنونی متجلی کرده‌اند. در این گنبد چهار در گشوده می‌شود یکی به گنبد یا مسجد طباطبائی و دیگری به مقبره شاه صفی و سومی به روضه مطهره و چهارمی به رواق غربی، در نقطه وسط گنبد مرقدی است؛ بدون لوح که به جای لوح چند تخته سنگ مرمر نامناسبی به کار برده شده است و سطح آن ۱۲ سانتیمتر بر جستگی دارد (نک: گنجینه آثار قم، ۴۱۹، ۶۰۵/۱، ۶۱۰؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۱/۱).

۴. گنبد شاه سلیمان که در سال ۱۱۰۷ قمری پس از وفات وی و انتقال جسدش به قم و دفن در این نقطه به امر شاه سلطان حسین صفوی بر فراز مدفن وی ساخته شد، بعدها پس از کشته شدن شاه سلطان حسین توسط اشرف افغان، بدن بی‌سر وی را نیز در همین گنبد به خاک سپردند. هم‌چنین بدن شاه طهماسب دوم که به امر نادرشاه افشار کشته شد، بنا بر وصیت خود شاه طهماسب در همین مکان مدفون گردید، که شامل سه مقبره از سه سلطان صفوی است (نک: گنجینه آثار قم، ۴۱۹/۱، ۶۱۱-۶۱۹؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۱/۱).

سنه ۱۲۱۸ [هجری] دیوار طرف حرم را خراب نموده داخل در حرم مطهر فرموده و این رواق زنانه از بناهای شاه عباس ثانی است که جمع کاشی او معرق بسیار ممتاز است. کتیبه‌ای دارد به خط محمد رضای امامی در کمال خوبی و بقعه شاه عباس هم که متصل است به روضه زنانه و از جهت حجاری از جمله بناهای غریب و ممتاز است از بناهای شاه سلیمان صفوی است که در سنه ۱۰۷۷ [هجری] آن را بنا نموده، کتیبه‌ای دارد به خط محمد رضای امامی که سوره جمعه را بر سنگ مرمر نوشته است در کمال خوبی و امضای کتیبه آن «ابوطالب خطیب الحسینی» [است] و مسجد پایین پا از بناهای شاه عباس ثانی است؛ چنان‌که در یکی از مرافق این مسجد این قطعه بر روی سنگی منقور و حجاری شده است!^۱

در ایام خاقان جم بارگاه خدیو جهانگیر عباس شاه شهی کو به عفت نظیرش نبود سلیمان غلامی ز خیل درش که شد سایبان سر قبر شاه «بهشت برین بوده مأوای او»^۲ چه این جنت آباد اتمام یافت غیاث از پی سال تاریخ گفت «سلیمان ثانی زد این بارگاه»^۳

ایوان زنانه

ایوان زنانه واقع است در صحن شاه عباس، مقابل ضریح مطهر،^۴ در سقف آن شکستی وارد آمد، در سنه ۱۳۴۷ [هجری] حسب الفرمایش جناب حاجی میرزا محمد باقر متولی باشی، به مباشرت آقا سید قاسم، ضابط سرکار فیض آثار، از آن ایوان تعمیری شد و ازارة ایوان را که کاشی بود، به سنگ مرمر مزین گردید و قطعه‌ای که ماده تاریخ آن ایوان است، حاج شیخ عبدالرزاق المتخلص بـ «خانف»^۵ گفته و آقا شیخ حبیب الله صحاف^۶ سرکار فیض آثار در کتیبه آن به خط نستعلیق نوشته است و قطعه این است:

خسرو... شهشه راد
سمی پنجمین امام هدی
دید درگاه بنت موسی را
کرد تعمیر جمله طاق و رواق
سال تاریخ آن ز «خانف» جُست
قبر را بوس و سربسای و بگو
چون براو رنگ خسروی بنشست
تولیت، آن للیل پاک سرشت
کز مرور زمانه ریخته خشت
نام نیکو برای خویش به بهشت
به جنابش چنین جواب نوشت
«زایر قبر او رود به بهشت»^۷

و آب انبار کوچکی در صحن زنانه است که در طرف جنوب واقع است از بناهای شاه عباس است که با صحن یک مرتبه ساخته شده و اکنون از حیز انتفاع افتاده است.^۸

۱. اکنون به جای این مسجد که به «مسجد پایین پا» معروف بود، رواق شرقی قرار گرفته که در سال ۱۳۰۰ قمری ساخته شده است. این رواق در واقع در جایگاه این مسجد و آبدارخانه مقبره شاه صفی واقع شده و در نتیجه این رواق قسمتی از جهت شمالی و جنوبی روضه مطهر را فرا گرفته و به حرم زنانه، یعنی مقبره شاه صفی، متصل شده که با افزایش محوطه خزان‌های شمالی و جنوبی به این رواق، رونق و شکوه روضه حضرت معصومه (س) افزایش یافته است و در میانه رواق با روضه سه درگاه باز شده که درگاه‌های طرفین بدون در و تنها درگاه وسطی دارای دری نقره‌ای است (نک: گنجینه آثار قم، ۵۹۵/۱-۵۹۸؛ دائرة المعارف تشیع، ۸۵/۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۱/۱).

۲. مصرع «بهشت برین بوده مأوای او» به حروف ابجد مساوی است با ۱۰۵۲ که سال آغاز ساخت این مسجد را نشان می‌دهد (نک: گنجینه آثار قم، ۵۹۸/۱).

۳. مصرع «سلیمان ثانی زد این بارگاه» به حروف ابجد مساوی است با ۱۰۵۳ که سال اتمام مسجد را می‌رساند (نک: گنجینه آثار قم، ۵۹۸/۱).

۴. ایوان زنانه که جزو بناهای شاه عباس ثانی است، همراه با صحن شاه عباس، تبدیل به گنبد یا مسجد طباطبائی گردید که سال تبدیل آن پیش از این گفته شد.

۵. شیخ عبدالرزاق بن مولی علی اصغر قمی متخلص به «خانف»، تاریخ تولد وی دانسته نیست؛ چنان‌که از زندگانی او نیز اطلاعی در دست نیست و در منابعی که از او نام برده‌اند، تنها نامی به میان آمده است و فقط آقا بزرگ اشاره کرده است که وی دارای دیوانی بود که در تهران چاپ شده است، اما از تاریخ چاپ دیوان اطلاعی نداده و مشار در کتاب خود تنها از او نام برده و نوشته است که کتاب «تاریخ ایران دوره مقدماتی» از وی در ۱۳۲۹ شمسی چاپ سنگی و در ۷۰ صفحه منتشر شده و افزوده است که وی حدود ۱۳۳۲ شمسی در گذشته است و جز این مختصر اطلاعی از وی به دست نیامد: الذریعه، ۲۷۷/۱/۹؛ تذکره سخنوران قم، ص ۱۲۰؛ فرهنگ سخنوران، ۳۰۱/۱؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۸۴۲/۳؛ فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، مشار، ۱۰۳۸/۱.

۶. از نام و نسب و زندگانی شیخ حبیب الله صحاف اطلاعی به دست نیامد.

۷. مصرع «زایر قبر او رود به بهشت» مطابق با حروف ابجد معادل ۱۴۵۱ است، در حالی که در متن کتاب در زیر این مصرع ۱۳۴۷ ثبت شده است که سال تعمیر ایوان زنانه بوده است.

۸. این آب انبار، همراه با صحن شاه عباس (صحن زنانه) پس از تبدیل صحن شاه عباس به گنبد طباطبائی جزو بنای گنبد یا مسجد طباطبائی شده است که پیش‌تر بدان اشاره کردیم.